

تبیین جامعه‌شناختی دیرهنگامی ازدواج در میان جوانان شهرستان طارم

فرهاد نصرتی‌نژاد،^{*} مریم شریفیان ثانی،^{**} علی محمدی نوبری^{***}

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی عوامل مؤثر بر دیرهنگامی ازدواج در شهرستان طارم پرداخته است که متوسط سن ازدواج در آن از کل کشور بیشتر است. برای بررسی این پدیده، عوامل مؤثر بر به تأخیر افتادن سن ازدواج در بین دو گروه مجردها و متأهل‌های ۲۵-۳۹ ساله به صورت پیمایشی در نمونه‌ای ۳۷۴ نفری بررسی شده است. نتایج نشان داد از میان عواملی که تأثیرشان بر دیرهنگامی ازدواج بررسی شده است (نگرش به ازدواج، دین‌داری، توقعات بالای خانواده‌ها، کنترل هنجاری، دایره همسرگزینی، هزینه‌های ازدواج و وضعیت شغلی مردان) صرفاً هزینه‌های ازدواج و وضعیت شغلی مردان بر دیرهنگامی ازدواج در این شهرستان تأثیر گذارند. احتمالاً، دلیل عدم تأثیرگذاری متغیرهای غیراقتصادی، بافتار اجتماعی جامعه تحت مطالعه است که جامعه‌ای روستایی است. در بسیاری از روستاهای ایران متغیرهای غیراقتصادی به دلیل بافت سنتی و کوچکی فضا چندان نمی‌توانند نقشی در تأخیر در سن ازدواج ایفا کنند.

کلیدواژه‌ها: ازدواج دیرهنگام، عوامل فرهنگی، عوامل اجتماعی، عوامل اقتصادی.

farhad.nosrati@gmail.com

sani_53@yahoo.com

nobari2042@yahoo.com

* استادیار دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران

** دانشیار دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران

*** کارشناس ارشد دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران

تاریخ دریافت: ۹۴/۴/۲۱ تاریخ پذیرش: ۹۵/۶/۲۴

مسائل اجتماعی ایران، سال هفتم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، صص ۱۴۱-۱۵۸

طرح مسئله

افزایش سن ازدواج و پیامدهای اجتماعی آن پدیده‌ای است که هم دغدغه متولیان رسمی جامعه است و هم دل‌مشغولی بسیاری از خانواده‌ها. با اینکه حساسیت خانواده‌ها به این موضوع، در سال‌های اخیر، اندکی کاهش یافته است، بدون تردید، تأخیر در سن ازدواج در ایران همواره محل بحث بوده است و از منظر بسیاری از افراد جامعه پدیده‌ای آسیب‌زا تلقی می‌شود. گذشته از نگرانی یادشده، سن ازدواج معمولاً یکی از شاخص‌های مهم ارزیابی میزان سلامت و بهداشت جسمی و روانی افراد جامعه محسوب می‌شود (مورایاما، ۲۰۰۱: ۳۰۷) و این مهم در جامعه‌ای که هنوز پای در سنت دارد اهمیت بیشتری می‌یابد. در جامعه‌ای که در آن هنجارهای دینی سمت‌وسو دهنده و تعیین‌کننده رفتارهای جنسی است و خانواده یگانه مرجع پذیرفته‌شده برای تأمین نیاز یادشده است، افزایش سن ازدواج نه تنها پدیده‌ای آسیب‌زاست که ابعادی مسئله‌زا می‌یابد. اگر جوانی جمعیت را نیز در نظر آوریم،^۱ ابعاد مسئله‌زای موضوع بیشتر می‌شود؛ خصوصاً اگر به این موضوع نیز توجه داشته باشیم که در جامعه ایران، آنچه در گذشته‌ای نه‌چندان دور در خصوص سن ازدواج محل نگرانی بوده است، نه دیرهنگامی ازدواج، که ازدواج زودهنگام بوده است. بررسی آمارهای موجود نیز نشان می‌دهد که میانگین سن ازدواج در ایران با تحولات مهمی روبه‌رو شده است. سن ازدواج زنان بین سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۹۰ با افزایش تدریجی همراه بوده است و این افزایش در یکی دو دهه اخیر شتاب بیشتری داشته است، به طوری که براساس سرشماری ۱۳۹۰ بیش از یک‌چهارم جمعیت زن و مرد واقع در سن ازدواج (۲۵-۳۹ ساله)، هرگز ازدواج نکرده‌اند. میانگین سن ازدواج در ایران برای مردان ۲۶/۷ سال و برای زنان ۲۳/۴ سال است (مرکز آمار ایران، سرشماری ۱۳۹۰).

در شهرستان طارم، که جامعه تحت مطالعه این پژوهش است، کل جمعیت زنان در گروه سنی ۲۵ تا ۳۹ سال ۶۵۹۳ نفر است که از این تعداد ۴۷۱۳ نفر (۷۱٫۵ درصد) ازدواج کرده و ۱۸۸۰ نفر (۲۸٫۵ درصد) ازدواج نکرده‌اند. کل جمعیت مردان در همین گروه سنی ۷۱۹۱ نفر است که از این تعداد ۴۹۴۱ نفر (۶۹ درصد) ازدواج کرده و ۲۲۵۰ نفر (۳۱ درصد) ازدواج نکرده‌اند؛ به عبارتی دیگر، در سن ازدواج دیرهنگام قرار دارند و می‌توان ادعا کرد که در مقایسه با کل کشور دیرهنگامی ازدواج در این شهرستان از رقم بالایی برخوردار است. مشاهده می‌شود که دیرهنگامی ازدواج در شهرستان طارم یک‌سوم از جمعیت واقع در گروه سنی ۲۵ تا ۳۹ سال را شامل می‌شود، حال آنکه این رقم در کل کشور یک‌چهارم است (مرکز آمار ایران، سرشماری

^۱ براساس آمارهای سرشماری ۱۳۹۰، بیش از ۵۰ درصد جمعیت کل کشور ۳۰ سال یا کمتر دارند و میانگین سنی جمعیت برای نقاط شهری ۳۰/۲ و برای نقاط روستایی، ۲۸/۹ سال است.

۱۳۹۰). به عبارت دیگر، ازدواج دیرهنگام در شهرستان طارم در مقایسه با کل کشور رقم بالاتری را نشان می‌دهد و از این منظر جنبه‌ای مسئله‌زا یافته است.

تأخیر در سن ازدواج، معمولاً تبعات بسیاری به همراه خواهد داشت، خصوصاً برای جوامعی که در بسیاری از حوزه‌ها هنوز سنتی هستند، تبعاتی چون کاهش باروری (محمودیان، ۱۳۸۳)، کاهش مسئولیت‌پذیری اجتماعی، گرایش به ارتباطات غیرمعارف دختر و پسر، بدخلقی در زندگی به دلیل عدم ارضای نیازهای فرد، افزایش دل‌نگرانی خانواده‌ها، افسردگی و اختلالات جنسی، گرایش به مواد مخدر و... به دلیل همین تبعات اجتماعی است که افزایش سن ازدواج در جامعه‌ای چون جامعه ایران، ابعاد مسئله‌زا می‌یابد. بروز چنین پدیده‌ای در بخش‌هایی از کشور که ساختاری روستایی دارند، بیشتر بحران‌زا است. شهرستان طارم نیز به لحاظ بافت و ساختار اجتماعی از چنین وضعیتی برخوردار است و همان‌طور که قبلاً نشان داده شد، با پدیده دیرهنگامی ازدواج روبه‌رو است. چنین پدیده‌ای در فضایی که هنوز مناسبات اجتماعی‌اش سنتی است، از بحرانی‌شدن موضوع در فضای اجتماعی یادشده نشان دارد. از این منظر، پاسخگویی به چرایی ظهور چنین پدیده‌ای و تبیین عواملی که به چنین پدیده‌ای دامن می‌زند، مسئله بنیادین این پژوهش است. به بیان دیگر، پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این پرسش اساسی است که چه عواملی سبب شده‌اند تا سن ازدواج در این شهرستان افزایش یابد.

پیشینه تجربی پژوهش

درباره ازدواج دیرهنگام پژوهش‌های بسیاری انجام شده است. اسکندری چراتی (۱۳۷۸) در تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر تأخیر سن ازدواج در ایران با تأکید بر استان گلستان (مطالعه موردی: شهر گنبد کاووس)» چرایی افزایش سن ازدواج جوانان شهرستان گنبد کاووس را مطالعه کرده است. این پژوهش در نمونه‌ای ۳۹۰ نفری و با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته و به صورت پیمایشی در بین جوانان در سن ازدواج (۱۸-۳۵ سال) این شهر انجام شده است. نتایج نشان داده است که بین متغیرهای ادامه تحصیل، بالابودن انتظارات و سخت‌گیری در انتخاب همسر، نداشتن شغل مناسب، فقر خانواده، موقعیت اجتماعی خانواده و وضع ظاهری با تأخیر سن ازدواج جوانان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

آستین‌فشان (۱۳۸۰) تحقیقی با عنوان «بررسی اجمالی روند تحولات ازدواج در ایران و تأثیر عوامل اجتماعی و جمعیتی بر آن بین سال‌های ۷۵-۱۳۵۵» انجام داده است. روش این بررسی مطالعه اسنادی است و از دو دسته از اسناد استفاده شده است: در بخش نظری، به کتاب‌ها و رساله‌های موجود در مراکز مختلف علمی و دانشگاهی، نشریات و مجلات مختلف جمعیت‌شناسی و جامعه‌شناسی مرتبط با موضوع مراجعه شده و نیز از اطلاعات علمی و تجربی با استفاده از داده‌های موجود در نشریه‌های سرشماری مرکز آمار طی دو دهه ۶۵-۱۳۵۵ و

۷۵-۱۳۶۵ به دست آمده است. نتایج حاکی از آن است که متغیرهای تحت بررسی، حداکثر ۵۰ درصد تغییرات میانگین سن ازدواج زنان را تبیین می‌کنند و میزان باسوادی و به‌ویژه تحصیلات عالی یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تأخیر سن ازدواج است.

مقدس جعفری و یعقوبی چوبری (۱۳۸۶)، در تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر بالارفتن سن ازدواج جوانان در ایران (مورد مطالعه: رشت)»، به بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر بالارفتن سن ازدواج جوانان رشت در نمونه‌ای ۲۷۰ نفری پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آنها نشان داده است که بالارفتن سن ازدواج تحت تأثیر عوامل اجتماعی همچون میزان درآمد خانواده، نوع شغل پدر، وضعیت اشتغال، نوع شغل، میزان تحصیلات جوانان و نیز بالابودن هزینه ازدواج، مهریه، جهیزیه، افزایش سطح توقعات زوج‌ها و خانواده‌ها، داشتن برادر و خواهر بزرگ‌تر مجرد، عدم حمایت مؤسسات دولتی، تردید در تصمیم‌گیری و وضعیت مسکن است.

براساس تحقیق کاظمی‌پور (۱۳۸۳) با عنوان «تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن»، که به صورت تحلیل ثانویه انجام شده است، از سال ۱۳۴۵ به بعد، به تدریج متوسط سن ازدواج زنان در ایران افزایش یافته و از ۱۸/۴ سال به ۲۳/۲ سال در سال ۱۳۸۱ رسیده است. علاوه بر آن، بین سن ازدواج و تحصیلات، قومیت، محل سکونت در شهر و روستا و به‌طور کلی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد ارتباط وجود دارد.

حبیب‌پور و غفاری (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی علل افزایش سن ازدواج دختران» به صورت پیمایشی علل افزایش سن دختران را در بین دختران مجرد و زنان متأهل ۲۵ تا ۴۴ ساله ساکن در نمونه‌ای ۱۲۹۱ نفری در پنج شهر تهران، ساری، خرم‌آباد، مشهد و سمنان بررسی کرده‌اند. براساس نتایج پژوهش آنها، دخترانی که دیرتر ازدواج می‌کنند، از تحصیلات بالاتری برخوردارند، نگرش فرامادی به ازدواج دارند و اعتقاد بیشتری دارند که با ازدواج، هزینه فرصت‌های ازدست‌رفته بیش از فرصت ازدواج است.

پژوهش‌های انجام‌شده عموماً پدیده ازدواج دیرنگام را از یک یا چند منظر فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مطالعه کرده‌اند. مطالعه حبیب‌پور و غفاری (۱۳۹۰) بیشتر به بررسی عوامل فرهنگی مؤثر بر ازدواج دیرنگام پرداخته است (هرچند به ابعاد اقتصادی آن نیز توجه کرده است) و مطالعات اسکندری چراتی (۱۳۷۸)، آستین‌فشان (۱۳۸۰)، مقدس جعفری و یعقوبی چوبری (۱۳۸۶) و کاظمی (۱۳۸۳) نیز عموماً عوامل اقتصادی - اجتماعی مؤثر بر ازدواج دیرنگام را مطالعه کرده‌اند، در حالی که پدیده افزایش سن ازدواج دارای سویه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی سیاسی است. از این منظر، وجه تمایز این پژوهش با پژوهش‌های یادشده، از یک سو، چارچوب نظری پژوهش حاضر است که دیرنگامی ازدواج را تابعی از وضعیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی دانسته است. در عامل فرهنگی نیز مقوله

نگرش به ازدواج را در سه بعد نگرش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به‌انضمام مقوله دین در نظر قرار داده است. گذشته از آن، به‌لحاظ روش‌شناختی، با تأسی به قاعده اختلاف جان استوارت میل تلاش کرده است تا منطق علی متغیرها را توضیح دهد.

چارچوب نظری پژوهش

اندیشمندان و صاحب‌نظران رشته‌های مختلف علوم اجتماعی به تحلیل پدیده دیرهنگامی ازدواج پرداخته‌اند. در دسته‌بندی کلان، این نظریه‌ها را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد: (۱) نظریه‌هایی که از منظر اقتصادی این پدیده را تحلیل می‌کنند (۲) نظریه‌هایی که از منظر اجتماعی به تحلیل آن می‌پردازند و (۳) نظریه‌هایی که از منظر فرهنگی دیرهنگامی ازدواج را تحلیل می‌کنند.

در نظریه‌هایی که با رویکردی اقتصادی به مقوله دیرهنگامی ازدواج پرداخته‌اند، دیرهنگامی ازدواج و حتی مجرد قطعی رویه‌ای عقلانی است که افراد بر مبنای هزینه و فایده آن ارزیابی و عمل می‌کنند. برای مثال، گری اس بکر از منظر نظریه بیشینه‌سازی سود به تحلیل دیرهنگامی ازدواج می‌پردازد و معتقد است که افراد هنگامی حاضر به ازدواج می‌شوند که منافع ازدواج از هزینه‌های آن برای آنها بیشتر باشد. این نظریه بر این مفروض بنا شده است که ازدواج نیز دارای بازار است و در این بازار سعی هر فرد بر این است که حتی‌الامکان بیشترین تلاش را انجام دهد و شریکی انتخاب کند که همراهی او بتواند سود حاصل از این وصلت را بیشینه کند. هرچه امکان کسب درآمد زنان بیشتر و تحصیلات آنان بالاتر باشد، تمایل آنها به ازدواج کمتر است؛ چراکه ازدواج ممکن است نفعی برایشان نداشته باشد. این در حالی است که برای مردان وضع دیگرگونه است و هرچه ظرفیت کسب درآمد آنها بیشتر باشد، احتمال ازدواج آنها بیشتر است (هامپلوا، ۲۰۰۳: ۶).

نظریه‌پردازانی که عوامل اجتماعی را موجب به‌تعمیق‌افتادن ازدواج می‌دانند متغیرهای اجتماعی متفاوتی را ذکر می‌کنند. برخی از آنها بر مدرنیزاسیون و پیامدهای ناشی از آن، از جمله گسترش فرصت‌های آموزشی، تغییر در ساختار نیروی کار، افزایش اشتغال زنان، شیوه‌های متفاوت زندگی شهری و روستایی و کنترل اجتماعی ضعیف‌تر در شهرها نسبت به روستاها، تأکید می‌کنند (مین، ۱۹۹۷: ۲). برخی به متغیرهایی چون قابلیت دسترسی، امکان‌پذیری (نظیر داشتن زمین و منبع درآمد و...) و مطلوبیت به‌منزله متغیرهایی اثرگذار بر زمان ازدواج اشاره می‌کنند. از این منظر، بی‌تناسبی سنی و جنسی برای دوجنس و نیز آزادی انتخاب بیشتر برای شریک زندگی موجب تأخیر در ازدواج می‌شود و از سوی دیگر، در فضاهایی که والدین نقشی مهم در انتخاب همسر برای فرزندان دارند این تأخیر کمتر رخ می‌دهد (دیکسون، ۱۹۷۱: ۲۱۵-۲۳۳).

نظریه‌پردازانی که متغیرهای فرهنگی را عاملی مهم در افزایش سن ازدواج می‌دانند عموماً بر تغییرات ارزشی-نگرشی‌ای تأکید دارند که با تغییر دادن نگاه به مقوله ازدواج، موجب به تأخیر افتادن سن ازدواج می‌شوند. این نظریه‌پردازان بر متغیرهای متفاوتی تأکید دارند. از نظر اینگلهارت، گسترش ارزش‌های فرامادی نظیر استقلال، تحقق نفس و خودشکوفایی به تأخیر در ازدواج منجر می‌شود. از نظر انگلند، فارکاس و اوپنهایمر، نوسازی به افزایش تحصیلات، سرمایه انسانی و افزایش استقلال اقتصادی و در نتیجه ارتقای تحصیلات و ایده‌آل‌ها و هنجارهای جدید پیرامون ازدواج منجر می‌شد که فرد در حین تحصیل کسب می‌کند و باعث تأخیر در ازدواج می‌شوند. مین نیز بر توسعه نظام آموزشی و افزایش تحصیلات در سایه آن، گسترش اشتغال مدرن به‌ویژه اشتغال زنان و شکل‌گیری پدیده استقلال اقتصادی فرد از خانواده گسترده تأکید دارد که به تغییرات ارزشی فرامادی گرایانه‌ای نظیر انتخاب آزادانه همسر و حقوق برابر و مساوی بین زنان و مردان می‌انجامد که نتیجه آن، افزایش سن ازدواج و تمایل به ازدواج دیر هنگام بوده است. نظریه گذار جمعیتی دوم نیز بر تأثیر هماهنگ عواملی نظیر تضعیف کنترل هنجاری و افزایش استقلال اقتصادی زنان، سکولاریزاسیون و فناوری‌های مدرنی چون جلوگیری از حاملگی در افزایش سن ازدواج تأکید دارد. این عوامل، در کنار همدیگر، با ایجاد تغییرات ارزشی به‌زعم رابوسیک، ترجیحات و سلیق افراد را به سمت فردگرایی، آزادی و استقلال تغییر می‌دهند و در نتیجه، باعث افزایش سن ازدواج و افزایش هم‌خانگی می‌شوند (آستین‌فشان، ۱۳۸۰).

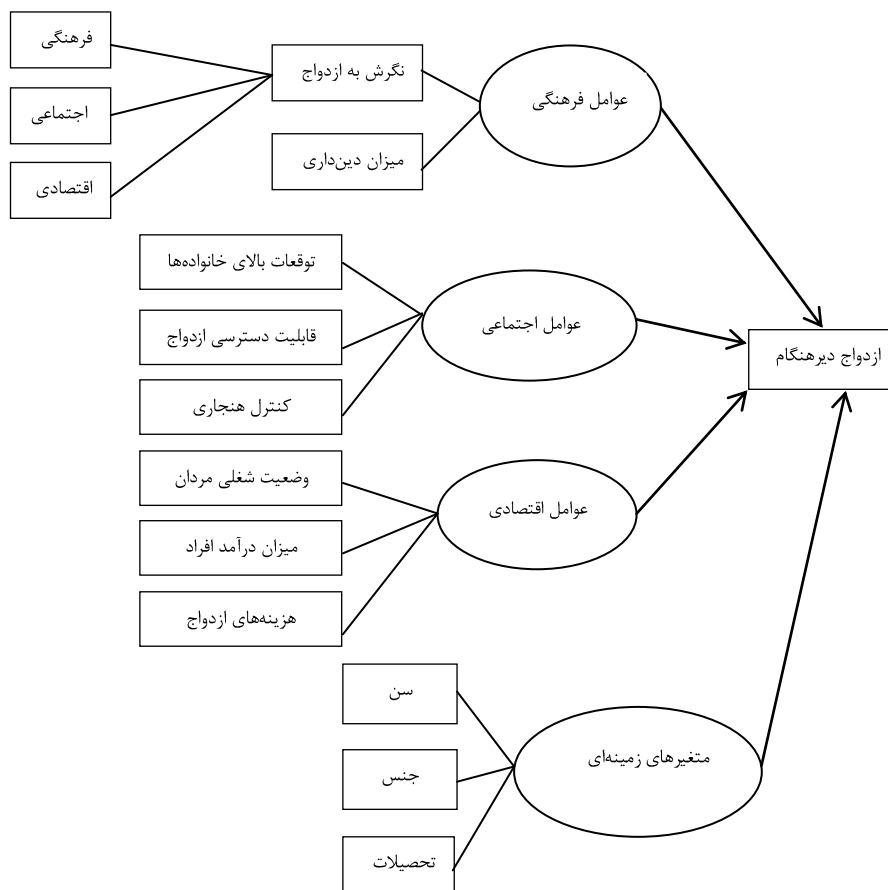
همان‌طور که به‌جمال گفته شد، نظریه‌پردازانی که به تبیین دیر هنگامی ازدواج پرداخته‌اند از دیدگاه‌های متفاوتی به این مقوله توجه کرده‌اند: برخی متغیرهای اقتصادی را برجسته کرده‌اند؛ برخی تأکیدشان بر متغیرهای اجتماعی است؛ و برخی دیگر متغیرهای فرهنگی را علل دیر هنگامی ازدواج عنوان کرده‌اند. پژوهش حاضر، با اتخاذ رویکرد سیستمی و در نظر گرفتن ویژگی‌های خاص جامعه تحت مطالعه، با این مفروض، که دیر هنگامی ازدواج پدیده‌ای اجتماعی است و پدیده‌های اجتماعی عموماً چندعلتی هستند و عوامل متفاوتی در بروز آنها مدخلیت دارند، دیر هنگامی ازدواج را معلول عوامل فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی می‌داند. از این‌رو، مجموعه‌ای از متغیرهای فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی را در دیر هنگامی ازدواج در جامعه تحت مطالعه دخیل می‌داند.

پژوهش حاضر از مجموعه عوامل فرهنگی، نقش نگرش به ازدواج و میزان دین‌داری (با توجه به تأکیدی که دین، خصوصاً اسلام بر ازدواج دارد) را متغیرهایی اساسی می‌داند که تلقی فرد از ازدواج را شکل می‌دهند و از این منظر بر زمان ازدواج او تأثیر می‌گذارند و باعث می‌شوند که زمان ازدواج به تعویق بیفتد. از آنجایی که دیر هنگامی ازدواج اساساً پدیده‌ای مدرن است، فرض شده است که هرچه نگرش فرد به ازدواج مدرن‌تر باشد یا افراد کمتر به ابعاد مناسکی

دین پایبند باشند، سن ازدواجشان بالا می‌رود. علاوه بر آن، برای نگرش‌های معطوف به ازدواج نیز سه بعد اقتصادی (تلقی فرد از سویه‌های اقتصادی ازدواج)، اجتماعی (تلقی فرد از سویه‌های هنجاری ازدواج) و فرهنگی (تلقی فرد درباره ازدواج فی‌نفسه و فارغ از ابعاد اقتصادی و اجتماعی آن) در نظر گرفته شده است.

این پژوهش، از مجموعه عوامل اجتماعی‌ای که بر دیرهنگامی ازدواج تأثیرگذارند، نقش قواعد و هنجارها و موقعیت‌هایی را که باعث می‌شوند ازدواج تسهیل شود یا به تعویق بیفتد تأثیرگذارتر دانسته و با در نظر گرفتن فضای اجتماعی جامعه ایرانی، متغیرهایی چون توقعات زیاد خانواده‌ها، کنترل هنجاری و قابلیت دسترسی ازدواج را مهم‌ترین متغیرهایی در نظر گرفته است که دیرهنگام‌شدن ازدواج را تبیین می‌کنند. از این منظر، هرچقدر خانواده‌ها توقعات کمتری در خصوص چگونگی ازدواج فرزندان خود داشته باشند، کنترل کمتری بر فرزندان خود اعمال کنند و به یک معنا، هنجارهای آسان‌گیرتری در زمینه ازدواج، خصوصاً زمان آن، در فضای اجتماعی جاری و ساری باشد، امکان به تأخیر افتادن ازدواج بیشتر می‌شود. علاوه بر این، هر اندازه دایره همسرگزینی بزرگ‌تر باشد، به دلیل تنوع و کثرت گزینه‌ها و فضای روانی‌ای که برای انتخاب همسر به وجود می‌آید، سن ازدواج بالا می‌رود.

از مجموع عوامل اقتصادی، آن دسته از متغیرهایی که به نوعی وضعیت معیشت و زیست افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و عموماً برای تشکیل زندگی مشترک ضروری است، متغیرهای اقتصادی تأثیرگذار بر دیرهنگامی ازدواج در نظر گرفته شده است. متغیرهای وضعیت شغلی مردان، میزان درآمد افراد و هزینه‌های ازدواج در شمار متغیرهای اقتصادی‌ای دانسته شده‌اند که بر دیرهنگام‌شدن ازدواج تأثیرگذارند.



- با استناد به نمودار، پاسخ نظری این پژوهش به چرایی افزایش سن ازدواج و دیر هنگام شدن آن در شهرستان طارم در قالب فرضیه‌های ذیل نمود یافته است:
- نگرش افراد به ابعاد اقتصادی ازدواج بر سن ازدواج تأثیر می‌گذارد.
 - نگرش افراد به ابعاد اجتماعی ازدواج بر سن ازدواج تأثیر می‌گذارد.
 - نگرش افراد به ابعاد فرهنگی ازدواج بر سن ازدواج تأثیر می‌گذارد.
 - میزان دین‌داری بر سن ازدواج تأثیر می‌گذارد.
 - توقعات بالای خانواده‌ها بر سن ازدواج تأثیر می‌گذارد.
 - قابلیت دسترسی به ازدواج بر سن ازدواج تأثیر می‌گذارد.
 - کنترل هنجاری بر سن ازدواج تأثیر می‌گذارد.
 - وضعیت شغلی مردان بر سن ازدواج تأثیر می‌گذارد.

- میزان درآمد بر سن ازدواج تأثیر می‌گذارد.
- هزینه‌های ازدواج بر سن ازدواج تأثیر می‌گذارد.

روش‌شناسی پژوهش

مطالعه حاضر، پژوهشی مقایسه‌ای با اتکا به قاعده اختلاف جان استوارت میل است که به صورت پیمایشی انجام شده است. براساس روش اختلاف جان استوارت میل، متغیرهای پژوهش در دو جامعه متأهلان، که دارای صفت تحت مطالعه (ازدواج) هستند، مجردها، که فاقد آن هستند، مقایسه شده‌اند. با استفاده از این روش، تأثیر متغیرهای تحت مطالعه بر دیرهنگامی ازدواج در سال ۱۳۹۳ بررسی شده است.

جامعه آماری، حجم نمونه و شیوه نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش، افراد متأهل و مجرد بین گروه سنی ۲۵-۳۹ در شهرستان طارم هستند که تعداد متأهل‌ها براساس سرشماری سال ۱۳۹۰، ۹۶۵۴ نفر (۷۰ درصد) و تعداد مجردها ۴۱۳۰ نفر (۳۰ درصد) بوده است (مرکز آمار ایران، سرشماری سال ۱۳۹۰). از میان این افراد با استفاده از فرمول کوکران با خطای ۰/۰۵ و حداکثر واریانس ($P = Q = 0.5$)، ۳۷۴ نفر انتخاب شده‌اند. نمونه‌ها نیز به صورت خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شده‌اند. درابتدا، با این فرض که در هر روستا دست‌کم ۲۲ پرسش‌نامه تکمیل می‌شود، تعداد روستاهایی که باید در نمونه واقع شوند با لحاظ حجم نمونه ۳۷۴ نفر مشخص شد. به این ترتیب، مقرر شد ۱۷ روستا جزو نمونه باشند. پس از آن، از میان دو بخش شهرستان طارم، به تناسب تعداد روستاهایشان، روستاهای نمونه مشخص شدند. برای بخش مرکزی، که دارای ۳ دهستان (آبر، گیلوان، درام) و مجموع ۶۳ روستاست، ۱۰ روستا و برای بخش چورزق، که دارای ۲ دهستان (چورزق و دستجرده) و مجموع ۴۲ روستاست، ۷ روستا به‌منزله نمونه مشخص شد. در بخش مرکزی از دهستان آبر (با ۱۳ روستا) ۲ روستا، از دهستان گیلوان (با ۲۵ روستا) ۴ روستا و دهستان درام (با ۲۵ روستا) ۴ روستا (به تناسب تعداد روستا) انتخاب شدند. در بخش چورزق از دهستان چورزق (با ۳۰ روستا) ۵ روستا و از دهستان دستجرده (با ۱۲ روستا) ۲ روستا انتخاب شدند. در هر روستا نیز ۲۲ پرسش‌نامه در مناطق مختلف روستا تکمیل شد.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

ازدواج دیرهنگام

ازدواج دیرهنگام به معنای ازدواج بالاتر از میانگین سن ازدواج در کشور و پایین‌تر از سن مجرد قطعی است. در این تحقیق، جوانان مجرد گروه سنی ۲۵-۳۹ به‌منزله افرادی سنجیده شده‌اند

که ازدواجشان به تأخیر افتاده است. با توجه به میانگین سنی ازدواج، که در کل کشور برای زنان ۲۳/۴ سال و برای مردان ۲۶/۷ سال است، برای سنجش سن دیرهنگامی ازدواج فاصله میان میانه دو رقم مذکور تا سن مجرد قطعی (۴۰ سالگی) مبنای گروه سنی انتخاب شده برای این مطالعه (۲۵-۳۹) قرار گرفته است.

دین داری

منظور از دین داری در این پژوهش، براساس نظریه گلارک و استارک، میزان باور به اعتقادات اساسی دین، التزام به اجرای مناسک دینی، داشتن تجربه دینی، نموددادن هنجاری دینی در زندگی روزمره و شناخت از دین است (سراجزاده و توکلی، ۱۳۸۰: ۱۶۴). البته صرفاً بعد مناسکی آن در قالب پرسش از انجام هریک از مناسک (نمازخواندن، رفتن به نماز جماعت، روزه گرفتن، تلاوت قرآن و شرکت در مراسم مذهبی) سنجش شده است.

نگرش به ازدواج

نگرش نظامی از تمایلات، عقاید و اعتقادات فرد درباره پدیده‌های محیط خود است (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۴). در این پژوهش، نگرش به ازدواج در سه بعد اجتماعی (اعتقادات فرد و تمایل او به هنجارها و قواعد اجتماعی ازدواج)، اقتصادی (اعتقادات فرد و تمایلات اقتصادی او به ازدواج) و فرهنگی (اعتقادات فرد و تمایل او به ازدواج فارغ از ابعاد اقتصادی آن) در قالب گویه‌های ذیل سنجش شده است:

سویه فرهنگی	سویه اجتماعی	سویه اقتصادی
<ul style="list-style-type: none"> - کسانی که ازدواج می‌کنند نسبت به آنها که ازدواج نمی‌کنند خوشبخت‌ترند - بدون ازدواج هم می‌توان زندگی کرد و موفق هم بود. - ازدواج مانع از آن می‌شود که فرد مهمی در رشته تحصیلی یا شغل خود باشیم - مجرد فرصتی است برای تجربه کردن لذت‌ها. - یا ازدواج آدمی کامل‌تر می‌شود. - با ازدواج آزادی فردی سلب می‌شود. 	<ul style="list-style-type: none"> - تنها با ازدواج است که جوان از نظر اجتماعی به بلوغ دست می‌یابد. - ازدواج تنها روش درست پاسخ به نیازهای جنسی است. - ازدواج از انحرافات جلوگیری می‌کند. - با ازدواج وظیفه و مسئولیت اجتماعی فرد افزایش می‌یابد. - افرادی که در زمان مناسب ازدواج نمی‌کنند مدام از سوی جامعه مورد نکوهش قرار می‌گیرند. 	<ul style="list-style-type: none"> - ازدواج خوب ازدواجی است که مراسم آن با کمترین هزینه همراه باشد. - هزینه‌های مراسم ازدواج هزینه‌های اضافی نیست بلکه اساس زندگی توأم با خوشبختی است. - برای برگزاری مراسم آبرومند باید هرچقدر لازم باشد هزینه کرد. - بهتر است هزینه‌های مراسم ازدواج را کم کرد تا اینکه به‌خاطر هزینه‌های آن ازدواج را به تعویق انداخت.

توقعات بالای خانواده‌ها

منظور انتظاراتی است که خانواده از فرزندان خود در هنگام ازدواج دارند و در قالب گویه‌های زیر عملیاتی شده است:

- خانواده‌ها در هنگام ازدواج فرزندان‌شان بیشتر تلاش می‌کنند که جایگاه اجتماعی خود را بالا ببرند.
- خانواده‌ها در هنگام ازدواج فرزندان‌شان معمولاً بهترین‌ها را از عروس یا دامادشان طلب می‌کنند.
- گرفتن مهریه بالا در نظر خانواده عروس اصلی اساسی است.

- برای خانواده‌ها خیلی مهم است که عروس یا دامادشان را خودشان انتخاب کنند.
- معمولاً خانواده‌های عروس مصرند که مراسم آبرومند و باشکوهی برای دخترشان برگزار شود.
- خیلی از خانواده‌ها انتظار دارند که داماد حتماً کار پردرآمدی داشته باشد.
- خیلی از خانواده‌ها انتظار دارند که داماد حتماً خانه داشته باشد.

قابلیت دسترسی ازدواج (دایره همسرگزینی)

منظور از قابلیت دسترسی به ازدواج، گستره و دایره انتخاب همسر است. در پژوهش حاضر، این دایره مشتمل بر نظام خویشاوندی، محیط کار، محله، شهر محل زندگی، شهرهای دیگر، دانشگاه و فضای مجازی تعریف شده است.

هزینه‌های ازدواج

هزینه‌های ازدواج به هر گونه صرف پول برای شکل‌گیری ازدواج از آغاز فرآیند آن تا تشکیل خانواده دو نفره زن و شوهری اطلاق می‌شود. برای سنجش هزینه‌های ازدواج از پاسخگویان خواسته شده است مشخص کنند چه اندازه از عهده هزینه‌های خرید وسایل زندگی (جهیزیه)، برگزاری مراسم عروسی (تالار، ماشین عروس و ...)، خرید طلا و جواهرات، و خرید مسکن و اجاره مسکن در هنگام ازدواج برمی‌آیند.

کنترل هنجاری

نقصان علقه اجتماعی و تعهد به هنجار در میان اکثر افراد جامعه ضعف هنجاری تعریف شده است (چلبی، ۱۳۷۸: ۱۱۳). با تأسی به این تعریف، منظور از کنترل هنجاری میزان توجه به هنجارهای ازدواج در فضای اجتماعی است. برای سنجش کنترل اجتماعی از پاسخگویان خواسته شده است با توجه به محیط زندگی‌شان درباره گویه‌های ذیل اظهارنظر کنند:

- بالارفتن سن ازدواج باعث بدبینی مردم به فرد می‌شود.
- افراد متأهل اعتبار بیشتری در بین افراد جامعه دارند.
- وقتی وارد سن ازدواج شدید حتماً باید ازدواج کنید.
- کسانی که به موقع ازدواج نمی‌کنند مورد پذیرش جامعه قرار نمی‌گیرند.
- مدام خانواده‌ها فشار می‌آورند که ازدواج کنم.
- فامیل و آشنایانم اصرار دارند که من ازدواج کنم.
- اگر ازدواج نکنم هرگز نمی‌توانم در این محل زندگی کنم.

اعتبار و پایایی

اعتبار صوری و محتوایی ابزار اندازه‌گیری با اخذ نظر متخصصان برآورد شده است. برای محاسبه پایایی از آلفای کرونباخ استفاده شده است. نتایج مربوط به آلفای کرونباخ هرکدام از متغیرها و ابعاد آنها در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. برآورد آلفای مقیاس‌های تحقیق

میزان آلفا	متغیر	$\hat{\rho}_{11}$
۰/۷۵	نگرش اقتصادی	۱
۰/۷۶	نگرش اجتماعی	۲
۰/۷۹	نگرش فرهنگی	۳
۰/۷۳	کنترل هنجاری	۴
۰/۸۷	دین‌داری	۵

یافته‌ها

توصیف سیمای پاسخگویان

تقریباً نیمی از پاسخگویان مجرد و نیمی دیگر متأهل هستند. تحصیلات اکثر پاسخگویان (۴۹ درصد) دیپلم است؛ حدود یک‌پنجم از آنها (۲۲ درصد) لیسانس دارند و ۱/۳ درصد دارای مدرک دکتری هستند. میانگین سنی پاسخگویان مجرد ۲۷ و متأهل ۳۱ سال و میانگین سن ازدواج افراد متأهل ۲۴ سال است. سن مناسب ازدواج از نظر عموم مجردها بین ۲۵ تا ۲۹ و برای متأهل‌ها ۳۰ تا ۳۴ است. حدود ۵۹ درصد متأهل‌ها و ۲۴/۵ درصد مجردها شاغل‌اند و حدود ۴۴ درصد متأهل‌ها و ۷۵/۵ درصد مجردها شاغل نیستند. اکثر پاسخگویان بدون شغل، بیکار و جویای کار (۳۳/۳ درصد) و دانشجو (۲۳/۲ درصد) هستند.

جدول ۲. توصیف سیمای پاسخگویان

درصد	فراوانی	متغیرها	
۵۱/۵	۱۹۲	مجرد	وضعیت تأهل
۴۸/۵	۱۸۱	متأهل	
۴۹/۱	۱۸۳	تا دیپلم	
۱۷/۲	۶۴	فوق دیپلم	
۲۲/۳	۸۳	لیسانس	
۱۰/۲	۳۸	فوق لیسانس	
۱/۳	۵	دکتری	وضعیت اشتغال
۳۹/۷	۱۴۸	شاغل	
۵۹/۵	۲۲۲	غیرشاغل	

توصیف متغیرهای پژوهش

وضعیت کلی هر یک از متغیرهای پژوهش در جدول ۳ گزارش شده است.

تبیین جامعه‌شناختی دیرهنگامی ازدواج در بین جوانان شهرستان طارم

جدول ۳. متغیرهای پژوهش به تفکیک افراد متأهل و مجرد بر اساس شاخص‌های مرکزی و پراکندگی

متغیر	وضعیت تاهل	میانگین	واریانس	خطای انحراف معیار	ماکزیمم	مینیمم
نگرش به سویه‌های اقتصادی ازدواج	مجرد	۱۶/۲۸	۱/۲۱	۱/۱۰	۱۳	۱۳
	متأهل	۱۶/۲۵	۱/۴۷	۱/۳۱	۱۳	۱۹
نگرش به سویه‌های اجتماعی ازدواج	مجرد	۱۳/۲۷	۱۰/۱۹	۳/۱۹	۸	۱۸
	متأهل	۱۳/۵۹	۱۰/۸۲	۳/۲۸	۸	۱۸
نگرش به سویه‌های فرهنگی ازدواج	مجرد	۲۴/۹۳	۱۹/۳۸	۴/۴۰	۱۶	۲۹
	متأهل	۲۴/۹۵	۱۹/۳۰	۴/۳۹	۱۴	۲۹
توقعات بالای خانواده‌ها	مجرد	۲۵/۷۲	۲۱/۹۳	۴/۶۸	۱۱	۳۵
	متأهل	۲۴/۸۷	۲۲/۱۸	۴/۷۱	۱۴	۳۵
قابلیت دسترسی	مجرد	۱۸/۹۵	۱۴/۶۴	۳/۸۲	۱۰	۳۳
	متأهل	۱۷/۷۶	۱۸/۹۴	۴/۳۵	۹	۳۴
استقلال اقتصادی دختران	مجرد	۱۲/۶۴	۲۱/۵۹	۴/۶۴	۴	۲۰
	متأهل	۱۲/۹۵	۲۶/۴۴	۵/۱۴	۴	۲۰
هزینه ازدواج	مجرد	۱۱/۸	۱۶/۸۹	۴/۱۱	۵	۲۳
	متأهل	۱۲/۹۵	۲۷/۹۸	۵/۲۹	۵	۲۵
کنترل هنجاری	مجرد	۱۸/۶۰	۲۶/۳۹	۵/۱۳	۸	۲۸
	متأهل	۱۶/۹۰	۲۸/۳۰	۵/۳۱	۶	۳۰
دین‌داری	مجرد	۱۶/۰۸	۲۲/۰۲	۴/۶۹	۵	۲۵
	متأهل	۱۵/۷۸	۳۹/۱۰	۶/۲۵	۱۰	۲۵

آزمون فرضیه‌های پژوهش

با توجه به نتایج آزمون کلموگروف-اسمیرنوف، مشخص شد هیچ‌کدام از داده‌های سنجیده‌شده توزیعی غیرهنجار ندارند. برای اینکه تفاوت میانگین بین دو گروه مجردها و متأهل‌ها را از نظر متغیرهای تحت مطالعه با هم مقایسه و فرضیه‌های پژوهش را آزمون کنیم، از آزمون تی استفاده کردیم (البته برای سنجش تأثیر وضعیت شغلی مردان بر دیرهنگامی ازدواج از آزمون کای اسکوئر استفاده شده است). در جدول ۴ نتایج آزمون‌ها برای هریک از فرضیه‌ها آمده است.

جدول ۴. آزمون تفاوت میانگین مقیاس‌های تحقیق در بین مجردها و متأهلان

sig	T	df	انحراف استاندارد	تفاوت میانگین‌ها	میانگین	تعداد	گروه‌های تحت مطالعه	فرضیه‌ها	
۰/۱۹۶	-۱/۹۱	۳۶۲	۱/۲۰	-۰/۲۳۰	۱۶/۳۵	۱۹۲	متأهل	نگرش به سویه‌های اقتصادی ازدواج	
			۱/۲۰		۱۶/۳۸	۱۸۱	مجرد		
۰/۴۲۲	-۱/۹۰۱	۳۶۸	۲/۳۱	-۳/۰۳۲	۱۳/۳۹	۱۹۲	متأهل	نگرش به سویه‌های اجتماعی ازدواج	
			۲/۴۴		۱۳/۵۹	۱۸۱	مجرد		
۰/۹۹	۳/۸۸	۳۶۹	۲/۵۱	۱/۳۶۷	۲۰/۸۹	۱۹۲	متأهل	نگرش به سویه‌های فرهنگی ازدواج	
			۲/۴۶		۲۱/۰۲	۱۸۱	مجرد		
/۹۵۵	۱/۷۵	۳۶۹	۳/۵۰	۱/۲۱	۲۵/۷۲	۱۹۲	متأهل	توقعات بالای خانواده‌ها	
			۳/۳۸		۲۴/۸۷	۱۸۱	مجرد		
			۴/۶۴		۱۲/۶۴	۵۴	مجرد		
/۰۰۰	-۳/۷۹	۳۳۹	۵/۲۹	-۱/۸۶۷	۱۲/۹۵	۱۹۲	متأهل	هزینه‌های ازدواج	
			۴/۱۱		۱۱/۸	۱۸۱	مجرد		
/۹۵۰	-۱/۸۴	۳۶۷	۵/۳۱	-۱/۶	۱۹/۶۰	۱۹۲	متأهل	کنترل هنجاری	
			۵/۱۳		۱۸/۶۰	۱۸۱	مجرد		
/۰۶	/۵۲۲	۳۲۹	۶/۲۵	/۳۰۱۲	۱۵/۷۸	۱۹۲	متأهل	دین‌داری	
			۴/۶۹		۱۶/۰۸	۱۷۹	مجرد		
/۱۹	۲/۷۹۸	۳۵۸	۴/۳۵	۱/۱۹۱	۱۷/۷۶	۱۹۲	متأهل	قابلیت دسترسی	
			۳/۸۳		۱۸/۹۵	۱۸۱	مجرد		
مقدار کای اسکوتر = ۲۶۵/۴۲ معنی‌داری = /۰۰۰						۷۰/۶	متأهل	شاغل	وضعیت شغلی مردان
						۳۰/۴	مجرد		
						۲۹/۴	متأهل	غیر شاغل	
						۶۹/۶	مجرد		

همان‌طور که نتایج آزمون‌ها نشان داده است، از میان فرضیه‌های پژوهش صرفاً دو فرضیه «تأثیر وضعیت شغلی مردان بر ازدواج دیرهنگام» و «تأثیر هزینه‌های ازدواج بر ازدواج دیرهنگام» تأیید و بقیه فرضیه‌ها رد شده‌اند. به عبارت دیگر، دیرهنگامی ازدواج در جامعه تحت مطالعه این پژوهش عموماً متأثر از وضعیت شغلی مردان و البته سویه‌های اقتصادی ازدواج است که هر دو متغیر اقتصادی هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان داد با وجود اینکه میانگین سنی مجردها ۲۷ سال بوده است، آنها سن مناسب ازدواج را ۲۵ تا ۲۹ سالگی می‌دانند. سن مطلوب ازدواج برای متأهل‌ها ۳۰ تا ۳۴ سالگی است. این یافته نشان از آن دارد که مجردها براساس معیارهای خود نیز دچار دیرهنگامی ازدواج شده‌اند. از نظر تبیینی نیز نتایج نشان می‌دهد که عوامل فرهنگی، شامل دو مؤلفه نگرش به ازدواج و میزان دین‌داری، هیچ‌کدام تأثیری بر سن ازدواج ندارند. به عبارت دیگر، نگرش افراد به ازدواج، که در این پژوهش در سه بعد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

سنجش شده، تأثیری بر سن ازدواج ندارد و نگرش مجردها و متأهل‌ها تقریباً شبیه به هم است. در زمینه میزان دین‌داری، که البته بعد مناسکی آن سنجش شد، نیز یافته‌ها نشان از عدم تأثیرگذاری دارد. اجرای مناسک دینی نزد مجردها بیشتر بوده است، اما این تفاوت‌ها معنادار نبوده است. رویه‌مرفته، عوامل فرهنگی متغیرهایی تعیین‌کننده برای دیرهنگامی ازدواج نبوده‌اند. این نتیجه با دیدگاه‌های اینگله‌هارت (۱۳۸۲)، مالهاترا و تسوی (۱۹۹۶) و حبیب‌پور و غفاری (۱۳۹۰) که متغیرهای فرهنگی را عاملی تأثیرگذار بر دیرهنگام‌شدن ازدواج دانسته‌اند ناهم‌سو است. شاید این ناهم‌سوایی را بتوان ناشی از تفاوت در ابزار اندازه‌گیری دانست؛ خصوصاً که در این پژوهش نگرش‌ها در سه بعد مختلف بررسی شده‌اند و از این منظر، تفاوت‌هایی میان این پژوهش و پژوهش‌های پیش‌گفته نیز وجود دارد. البته به این نکته نیز باید توجه کرد که کوچک‌بودن فضاهای روستایی و همگنی نسبی در روستاها، باعث شده که احتمالاً تفاوت‌چندانی بین افراد از نظر متغیرهای فرهنگی گفته‌شده وجود نداشته باشد.

توقعات خانواده متغیر دیگری است که در این پژوهش تأثیر آن بر دیرهنگام‌شدن ازدواج بررسی شده است. نتایج این متغیر را نیز در این موضوع تعیین‌کننده نمی‌داند. نتایج این پژوهش با تحقیق اسکندری و چراتی (۱۳۸۷) و جعفری و یعقوبی چوبری (۱۳۸۶) که از تأثیر توقعات خانواده‌ها بر زمان ازدواج حکایت دارد ناهم‌سو است. نتیجه تحقیق حاضر به اجتماع محوری تحقیقات اشاره دارد، بدین معنی که در محیط‌های اجتماعی و جغرافیایی مختلف سطح توقعات خانواده در زمینه ازدواج متفاوت است؛ علاوه بر آن، باید به این نکته نیز توجه داشت که جامعه آماری این پژوهش جامعه‌ای روستایی است که ماهیتاً با جوامع شهری پژوهش‌های یادشده تفاوت‌هایی اساسی دارد.

هزینه ازدواج متغیر دیگری است که تأثیر آن بر دیرهنگام‌شدن ازدواج بررسی شده است. نتایج از آن نشان دارد که این متغیر عاملی تأثیرگذار در دیرهنگام‌شدن ازدواج است، درحالی‌که مجردها به‌لحاظ مالی امکان تهیه هزینه‌های ازدواج را ندارند، اما متأهل‌ها در زمان ازدواج از استطاعت مالی برای تأمین هزینه‌های ازدواج برخوردار بوده‌اند. این یافته تقریباً با تمام پژوهش‌هایی که در این حوزه انجام شده است (مقدس جعفری و یعقوبی چوبری؛ همیلتون و سیون، ۲۰۰۷؛ بکر، ۱۹۹۶؛ دیکسون، ۱۹۷۱) هم‌خوانی دارد.

فضای هنجاری جامعه تحت مطالعه متغیر دیگری است که در این پژوهش تأثیرگذاری آن بر دیرهنگام‌شدن ازدواج سنجش شده است. این متغیر نیز میزان کنترل هنجارین جامعه را عامل مهمی در دیرهنگامی ازدواج می‌داند. یافته‌های پژوهش این متغیر را نیز متغیر تأثیرگذاری شناسایی نکرده است. این یافته نیز برخلاف یافته‌های برخی مطالعات، از جمله نتایج تحقیق دیکسون (۱۹۷۱)، است. احتمالاً علت عدم تأثیرگذاری را باید در یکسان‌بودن فضای

اجتماعی دو گروه مجردها و متأهل‌ها دانست؛ چون جامعه تحت مطالعه، جامعه‌ای کوچک و روستایی است و برخلاف شهرها و کلان‌شهرها، تفاوت‌های محسوسی بین فضای اجتماعی‌ای که افراد در محلات مختلف تجربه می‌کنند نیست. از این نظر، تفاوتی بین ادراک مجردها و متأهل‌ها از این نظر نبوده است. در این پژوهش، ادراک مجردها و متأهل‌ها از فضای هنجارین جامعه‌شان تقریباً یکسان و بیش از حد متوسط بوده است. جالب توجه آنکه ۶۱ درصد از پاسخگویان با این گویه که "اگر به موقع ازدواج نمی‌کردم زندگی در این محل برایم سخت می‌شد" و ۶۴ درصد با این گویه که "وقتی وارد سن ازدواج شدیم باید ازدواج کنیم" موافق یا کاملاً موافق بودند که نشان از شدت کنترل هنجاری جامعه تحت مطالعه دارد.

دایره همسرگزینی یا دسترسی به ازدواج متغیر دیگری است که فرض شده است بر دیرهنگامی ازدواج تأثیرگذار است. یافته‌های تحقیق تأثیرگذاری این متغیر را تأیید نمی‌کند. به این معنا که هرچند دایره همسرگزینی مجردها بیشتر از متأهل‌ها بوده است، تفاوت به لحاظ آماری معنادار نبوده است. این یافته با دیدگاه‌هایی که گسترش دایره همسرگزینی را یکی از عوامل دیرهنگام شدن ازدواج می‌دانند (دیکسون، ۱۹۷۱؛ لاندال و تولنای، ۱۹۹۱) ناهم‌خوان است. ناهم‌خوانی این یافته را نیز باید در بافتار روستایی جامعه این پژوهش جست‌جو کرد. به دلیل کوچکی فضای اجتماعی، دایره همسرگزینی هر دو گروه مجردها و متأهل‌ها تقریباً مشابه است و تفاوت معناداری با هم ندارند.

وضعیت شغلی مردان از جمله دیگر متغیرهایی است که در این پژوهش بر دیرهنگام شدن ازدواج تأثیر می‌گذارد. این یافته با پژوهش‌های اسکندری چراتی (۱۳۷۸) مقدس جعفری و یعقوبی چوبری (۱۳۸۶) و مین (۱۹۹۷) همسو است.

رویه‌مرفته نتایج نشان می‌دهد که از میان متغیرهای بررسی شده، صرفاً متغیرهای اقتصادی (امکان تأمین هزینه‌های ازدواج و وضعیت شغلی) برای دیرهنگام شدن ازدواج در جامعه تحت مطالعه این پژوهش تعیین‌کننده است. به بیان دیگر، دیرهنگام شدن ازدواج در جامعه تحت مطالعه بیشتر از آنکه تحت تأثیر متغیرهای اجتماعی و فرهنگی باشد، متأثر از وضعیت اقتصادی افرادی است که در سن ازدواج قرار دارند. علت تأثیرگذاری متغیرهای اقتصادی و عدم تأثیرگذاری متغیرهای فرهنگی و اجتماعی را احتمالاً باید در این نکته یافت که جامعه این پژوهش جامعه‌ای روستایی است و در فضاهای روستایی بسیاری از روستاهای ایران متغیرهای غیراقتصادی به دلیل بافت سنتی جامعه نمی‌توانند نقشی در به تأخیر افتادن سن ازدواج ایفا کنند. برای مثال، در روستاها افزایش دسترسی به ازدواج یا افزایش گزینه‌ها نمی‌تواند نقشی در به تعویق افتادن سن ازدواج داشته باشد؛ چراکه خانواده‌ها نقش بسیار مهمی در انتخاب‌های افراد دارند. فضای هنجاری جامعه و کنترل‌های آن به دلیل کوچکی روستا امکان ظهور عینی

تجلیات نگرش‌های جدید به ازدواج را، که عموماً به مجرد قطعی یا به تعویق افتادن ازدواج می‌انجامد، نمی‌دهد. از این رو، احتمالاً دیرهنگام شدن ازدواج در جوامع روستایی را عموماً باید ناشی از وضعیت نامساعد اقتصادی جوانان دانست.

منابع

- آستین‌فشان، پروانه (۱۳۸۰) بررسی روند تحولات سن ازدواج و عوامل اجتماعی - جمعیتی مؤثر بر آن طی سال‌های ۷۵-۱۳۵۵، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- اسکندری‌چراتی، آذر (۱۳۸۷) «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تأخیر سن ازدواج در ایران با تأکید بر استان گلستان»، فصلنامه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد آشتیان، سال چهارم، شماره ۳: ۵-۲۵.
- اعزازی، شهلا (۱۳۷۶) جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۲) تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران: کویر.
- جعفری مزدهای، افشین (۱۳۸۲) «عدم تعادل در وضعیت ازدواج در ایران»، پژوهش زنان، دوره اول، شماره ۵: ۸۳-۱۰۴.
- حبیب‌پورگنابی، کرم و غلامرضا غفاری (۱۳۹۰) «علل افزایش سن ازدواج دختران»، زن در توسعه و سیاست، دوره اول، شماره ۹: ۷-۳۴.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۸) جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران: نی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰) مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران: سروش.
- سراج‌زاده، سیدحسین و محمدرضا توکلی (۱۳۸۰) «بررسی عملیاتی دین‌داری در پژوهش‌های اجتماعی»، نامه پژوهش، شماره ۲۰: ۱۵۹-۱۸۷.
- کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۸۳) «تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن»، پژوهش زنان، دوره دوم، شماره ۳: ۱۰۳-۱۲۴.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰) گزیده نتایج سرشماری نفوس و مسکن، ریاست جمهوری، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی مرکز آمار ایران.
- مقدس جعفری، محمدحسن و علی یعقوبی چوبری (۱۳۸۶) «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر بالارفتن سن ازدواج جوانان در رشت»، فصلنامه علوم اجتماعی شوشتر، شماره ۴ و ۵: ۱۷۷-۲۰۱.
- محمودیان، حسین (۱۳۸۳) «سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان»، نامه علوم اجتماعی، دوره یازدهم، شماره ۲۴: ۲۷-۵۳.

- Becker, G. S. (1996) *A Treatise on the Family*, Cambridge, Massachusetts, London, England: Harvard University Press.
- Dixon, R. (1971) "Explaining Cross-cultural Variations in Age at Marriage and Proportions Never Marrying", *Population Studies*, 25: 215-233.
- Nobles, Jenna and Buttenheim, Alison (2006) *Marriage in Periods of Crisis: Evidence from Indonesia*, California Center for Population Research, on-Line Working Paper Series, October.
- Hamilton, G. and Siow, A. (2007) "Class, Gender and Marriage", *Review of Economic Dynamics*, 10 (4): 549-575 .
- Hamplova, Dana (2003) "Marriage and Educational Attainment: a Dynamic Approach to First Union Formation", *Institute of Sociology, Academy of Sciences of the Czech Republic, Prague, Sociologický Časopis/Czech Sociological Review*, 39 (6): 841-863.
- Malhatra, A. & Tsui, A. (1996) "Marriage Timing in Srilanka", *Journal of Marriage and Family*, 58 (2): 476-490.
- Minh, Nguyen Huu (1997) "Age at First Marriage in Viet Nam: Patterns and Determinants", *Asia-Pacific Population Journal*, 12 (2): 25-49
- Murayama , S. (2001) "Regional Standardization in the Age at Marriage: Acomparative Study of Pre Industrial Germany and Japan", *The History of the Family*, 6 (2): 303-324.
- Landale, N. S. & Tolnay, S. E. (1991) "Group Differences in Economic Opportunity and the Timing of Marriage: Blacks and Whites in the Rural South", *American Sociological Review*, 56 (1): 33-45.